

کارگران شرکت واحد

استوارتر و پرتوان تر از گذشته به پا می خیزند!

صلاح مازوجی

همانطور که انتظار می رفت رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب و در هم شکستن اعتصاب روز ۸ بهمن کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران که سندیکای کارگران این شرکت آن را فراخوان داده بود، وحشیانه ترین شیوه ها را بکار گرفت.

رژیم سرکوبگر در مقابله با این اعتصاب نه تنها از تمام شیوه های رایج رژیم های سرمایه داری در مقابله با کارگران، از قبیل بکار گرفتن نیروهای بسیج و اعتصاب شکن، قشون کشی و اشغال محیط کار، یورش به محل تجمع کارگران و استفاده از گاز اشک آور، ریختن به خانه ها و منازل کارگران و شکار فعالین کارگری استفاده کردند، بلکه با به گروگان گرفتن همسران و کودکان فعالین سندیکا و اذیت و آزار آنها قضاوت و وحشیگری را به اوج خود رساندند.

در طی چند روزی که کارگران در تدارک سازماندهی این اعتصاب بودند شدت و میزان دستگیری ها چنان وسیع و پر دامنه بود که هنوز آمار دقیقی از شمار دستگیرشدگان در دست نیست. برخی از گزارشات آمار دستگیرشدگان را بیش از ۱۰۰۰ نفر رقم زده اند.

در این میان اگر مطبوعات اپوزیسیون قانونی رژیم با توطئه سکوت و سانسور به اخبار مربوط به اعتصاب کارگران برخورد کردند، صدور اعلامیه های بی نام و نشان و سخنان برخی از مهره های رژیم که حاکی از فحاشی و تهدید کارگران بود، دامنه رسوایی رژیم و هراس و وحشت آنها را بر همگان عیان ساخت.

رژیم سرمایه اسلامی، در یورش به کارگران چنان سبعیتی از خود نشان داد که حتی تفاله های رژیم سلطنت پیشین، آن پس مانده هایی که در حال پوسیدن هستند در خارج کشور تلاش کردند خود را به درون حرکت همبستگی با کارگران بکشانند تا آبرویی برای خود دست و پا کنند.

رودرروئی رژیم با کارگران چنان خشونت بار و خیره کننده بود که بسیاری از مردم عادی و حتی ناظران سیاسی را نیز شگفت زده کرد. مردم که الزاما با جهت و سیر حرکت تاریخ آشنایی چندانی ندارند باید هم شگفت زده شوند. اگر این وحشیگری ها برای فرونشاندن عطش کینه طبقاتی حاکمان سرمایه علیه کارگران مزدی نبود، مگر خواست آزادی رهبر سندیکا، انعقاد قرارداد دسته جمعی و آزادی فعالیت سندیکا این همه خشونت می خواست؟ عکس العمل رژیم جمهوری اسلامی و توطئه سکوت اپوزیسیون قانونی رژیم در قبال این وحشیگری به جنبش مبارزات کار علیه سرمایه که در

سال‌های اخیر توش و توان تازه‌ای پیدا کرده نیرو و انگیزه بیشتری خواهد بخشید و جمهوری اسلامی با این سببیتی که در سرکوب کارگران از خود نشان داد، کل طبقه کارگر را به سلاح‌های برنده‌تری برای جنگیدن با خود مجهز می‌کند.

برای یک اعتصاب و تشکل کارگری همواره این امکان وجود دارد که زیر فشار رفتار خشونت آمیز بورژوازی حاکم با شکست مواجه شود، اما تردیدی نیست که کارگران شرکت واحد و سندیکایشان استوارتر و پرتوان‌تر از گذشته بر پای می‌خیزند. کارگران شرکت واحد با اتحاد و یکپارچگی، شجاعت و تهوری که در این مبارزه از خود نشان دادند جمهوری اسلامی را وادار به عقب‌نشینی خواهند کرد. جمهوری اسلامی اگر در کوتاه مدت برای لاپوشانی کردن عقب‌نشینی خود در مقابل خواست کارگران شانه بالا اندازد، اما نمی‌تواند قدرت یکپارچگی و شهامتی را که کارگران در این مبارزه از خود نشان دادند را نادیده بگیرد و به خواست کارگران پاسخ ندهد.

مبارزه کارگران شرکت واحد تا همین جا هم دستاورد، تجارب و درس‌های ارزنده‌ای برای کارگران این بخش و کل طبقه کارگر ایران در برداشته است.

بدون شک استقامتی که کارگران در این مبارزه از خود نشان دادند و سراسیمگی و هراسی که رژیم از خود به نمایش گذاشت و انعکاس آن در سطح جامعه، نگرش رهبران و فعالین این حرکت را نسبت به نقش خودشان هم در محیط کار و هم در سطح جامعه تغییر خواهد داد و با اعتماد بنفس بیشتری عمل خواهند کرد.

عکس‌العملی که رژیم در مقابل اعتصاب ۸ بهمن کارگران از خود نشان داد رابطه قدرت سیاسی با شرایط زندگی و کار کارگران، با مبارزه و اعتصاب و تشکل‌شان و وضع قوانین ضد کارگری را زمخت‌تر از هر زمان دیگری در جلو چشم کارگران نمایان ساخت. همین واقعیت ساده، همین تجربه عملی ضرورت همزمانی پیشبرد مبارزه سیاسی و اقتصادی را به فعالین کارگری یادآور می‌شود. تجربه این مبارزه بار دیگر باید به همه کارگران آموخته باشد که مبارزه صنفی کارگران برای رسیدن به خواست‌هایشان در زیر حاکمیت رژیمی که ابتدایی‌ترین حقوق کارگری حق اعتصاب و تشکل را به رسمیت نمی‌شناسد به ناگزیر به رودرروئی با ارگان‌های سرکوبگر و مبارزه سیاسی کشیده می‌شود.

مبارزه کارگران شرکت واحد نه تنها میخ دیگری به تابوت شوراها و اسلامی و خانه کارگر رژیم کوئید، بلکه مطالبه حق ایجاد تشکل کارگری را در صدر مطالبات جنبش کارگری تثبیت کرد و در همانحال راه عملی ایجاد تشکل طبقاتی کارگران را نشان داد. فعالین کارگری در بخش‌های دیگر نیز نباید در انتظار کسب اجازه قانونی برای ایجاد تشکل‌ها دست روی دست بگذارند، بلکه از همین امروز باید با شرکت دادن هر چه گسترده‌تر کارگران در پروسه ایجاد این تشکل‌ها، تشکل‌های

طبقاتی خود را برپا دارند و عملاً آنها را به رژیم تحمیل کنند و با بکار گرفتن مؤثر آنها در روند مبارزه کارگران، موقعیت آنها را تثبیت کنند.

مبارزه و اعتصاب کارگران شرکت واحد و پیامدهای آن بیش از هر زمان دیگری ضرورت برپایی تشکل های توده ای و سراسری کارگران را در مقابل فعالین جنبش کارگری بویژه فعالین سوسیالیست این جنبش قرار داد. در فقدان تشکل های سراسری کارگری است که رژیم می تواند با مانور و بسیج نیرو مبارزات کارگران در بخش های مختلف که جدا از هم جریان می یابد را سرکوب کند.

این دوره از مبارزه کارگران شرکت واحد با درس ها و تجاریش هنوز پایان نگرفته است، صدها نفر از کارگران هنوز در زندان بسر می برند، بر اساس برخی گزارشات تعداد زیادی از آنها دست به اعتصاب غذا زده اند، تجمعات خانواده های دستگیرشدگان در مقابل ساختمان مراجع و نهادهای دولت ادامه دارد.

در این شرایط ضروری است که فعالین کارگری در بخش های مختلف به یاری هم طبقه ای های خود بشتابند، موقع آن است که دانشجویان آزاده به رسالت سیاسی خود عمل کرده و بازوانشان را در بازوان کارگران شرکت واحد حلقه کنند و سوسیالیست های درون جنبش دانشجویی باید از این فرصت ها در جهت پیوند دادن جنبش دانشجویی با جنبش کارگری بهره بگیرند. وظیفه جنبش زنان و همه انسان های آزاده است که در این رویارویی و نبرد نابرابر کارگران شرکت واحد را تنها نگذارند. در خارج کشور انعکاس وسیع اخبار و گزارشات مبارزه ای که در جریان است، سازمان دادن اکسیون های حمایتی، جلب حمایت و پشتیبانی نهادهای کارگری و ترقی خواه، جمع آوری کمک مالی برای سندیکای کارگران شرکت واحد حداقل کاری است که باید انجام گیرد.

۱۲ بهمن ۱۳۸۴ - فوریه ۲۰۰۶

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۶۶

